

بررسی نظریه تطابق عوالم و نقش آن در تبیین رابطه وجود علمی و عینی ممکنات در حکمت متعالیه

سیداحمد غفاری^(۱)

تحولات وجود مادون را در خود جمع نموده است؛ در چنین شرایطی، علم به این گوهر وجودی که حقیقت وجود مادون محسوب میشود، عین علم به جمیع احوال و اوضاع وجود خاص است.

کلیدواژگان: تطابق عوالم، عینیت شخصی، عینیت سنخی، علم الهی، صدرالمتألهین.

مقدمه

در مباحث معرفت‌شناسی بیان شده که علم به دو دسته فعلی و انفعالی تقسیم میشود. بطور خلاصه، «علم فعلی» به علمی اطلاق میشود که دارای دو ویژگی تقدم بر وجود عینی و علیت نسبت به آن باشد. بنابراین، اگر وجود علمی، متأخر و متأثر از وجود عینی باشد، یا اگر مقدم بر وجود عینی بود و نقشی در ایجاد وجود عینی نداشت، چنین علمی «علم انفعالی» است.

البته این تقسیم، از ابتدا بهمین صورت ثنایی مطرح شده است، اما بعدها قسم سوم نیز بر آن افزوده شد که عبارت از علمی است که نه فعلی

چکیده
صدرالمتألهین همچون غالب فیلسوفان مسلمان، علم ذاتی الهی به ممکنات را علم پیشین دانسته و این علم را از سنخ علم فعلی میدانند، لیکن فاعلیت علم الهی در منظومه حکمت متعالیه، معنای متفاوتی نسبت به تفسیر مشهور آن دارد. دریافت این معنای متفاوت، رهین التفات به برداشت خاص ملاصدرا از نظریه تطابق عوالم است که بجای قائل بودن به «تطابق سنخی» میان عوالم علمی و عینی، بر «تطابق عینی» آنها تأکید میکند. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد عرضه تبیینی دقیق از برداشت ملاصدرا درباره نظریه تطابق عوالم است، و البته لازم بذکر است که قواعد فلسفی متعددی همچون قاعده «بسیط الحقیقه کل الاشياء» و «عینیت علم اجمالی و تفصیلی» در حکمت متعالیه، متأثر از آن هستند. آنچه دغدغه صدرالمتألهین را در جامعیت وجودی نسبت به وجودات خاصه شکل میدهد، ترسیم اشتغال وجودی وجود جمعی بحقایقی است که هرکدام همچون گوهری جامع، تمام سکانات و

(۱). استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران؛ yarazagh@yahoo.com

* تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۲۹ تاریخ تأیید: ۹۹/۱۲/۲۴ نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15600874.1400.26.4.2.1